



فلسفه جغرافیا

مجموعه جغرافیا

مؤلف: مسین عبادی

سراسر کتاب‌های کمک آموزشی کارشناسی ارشد



عبادی، حسین

فلسفه جغرافیا رشته جغرافیا / حسین عبادی

مهر سبحان، ۹۵

۲۶۲ ص: جدول، نمودار (آمادگی آزمون کارشناسی ارشد جغرافیا)

ISBN: 978-600-334-061-9

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

فارسی - چاپ سوم

۱- فلسفه جغرافیا

۲- آزمونها و تمرینها (عالی)

۳- آزمون دوره های تحصیلات تکمیلی

۴- دانشگاهها و مدارس عالی - ایران - آزمونها

حسین عبادی

ج - عنوان

ف ۲۷ ق ۲۳۵۳ LB

۳۷۸/۱۶۶۴

رده بندی دیویی:

۱۹۷۵۴۰

کتابخانه ملی ایران

نام کتاب: **فلسفه جغرافیا**

مولف: **حسین عبادی**

ناشر: **مهر سبحان**

نوبت و تاریخ چاپ: **سوم / ۹۵**

تیراژ: **۲۰۰۰ نسخه**

قیمت: **۲۸۰/۰۰۰ ریال**

شابک: **ISBN ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۴-۰۶۱-۹**

انتشارات مهر سبحان: خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع مطهری، روبروی قنادی هتل بزرگ تهران،

تلفن: ۴-۸۸۱۰۰۱۱۳

چنب بانک ملی، پلاک ۲۰۵۰

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه آموزش عالی آزاد ماهان می باشد و هرگونه اقتباس و کپی برداری از این اثر بدون اخذ مجوز پیگرد قانونی دارد.

مقدمه ناشر

آیا آنانکه می‌دانند با آنانکه نمی‌دانند برابرنند؟ (قرآن کریم)

پس از حمد و سپاس و ستایش به درگاه بی‌همتای احدیت و درود بر محمد مصطفی، عالی‌نمونه بشریت که در تاریخ دور تاریخ، بنا به فرمان نافذ صمدیت از میان مردمی برخاست که خود بودند در پست‌ترین حد توحش و ضلال و بربریت و آنگاه با قوانین شامل خویش هم ایشان را راهبری نمود و رهانید از بدویت و استعانت جوییم از قرآن کریم، کتابی که هست جاودانه و بی‌نقص تا ابدیت.

کتابی که در دست دارید آخرین ویرایش از مجموعه کتب خودآموز مؤسسه آموزش عالی آزاد ماهان است که برمبنای خلاصه درس و تأکید بر نکات مهم و کلیدی و تنوع پرسش‌های چهار گزینه‌ای جمع‌آوری شده است. در این ویرایش ضمن توجه کامل به آخرین تغییرات در سرفصل‌های تعیین شده جهت آزمون‌های ارشد تلاش گردیده است که مطالب از منابع مختلف معتبر و مورد تأکید طراحان ارشد با ذکر مثال‌های متعدد بصورت پرسش‌های چهار گزینه‌ای با کلید و در صورت لزوم تشریح کامل ارائه گردد تا دانشجویان گرامی را از مراجعه به سایر منابع مشابه بی‌نیاز نماید.

لازم به ذکر است شرکت در آزمون‌های آزمایشی ماهان که در جامعه آماری گسترده و در سطح کشور برگزار می‌گردد می‌تواند محک جدی برای عزیزان دانشجو باشد تا نقاط ضعف احتمالی خود را بیابند و با مرور مجدد مطالب این کتاب، آنها را برطرف سازند که تجربه سال‌های مختلف موکد این مسیر به عنوان مطمئن‌ترین راه برای موفقیت می‌باشد.

لازم به ذکر است از پورتال ماهان به آدرس www.mahanportal.ir می‌توانید خدمات پشتیبانی را دریافت دارید.

و نیز بر خود می‌بالیم که همه ساله میزان تطبیق مطالب این کتاب با سؤالات آزمون‌های ارشد- که از شاخصه‌های مهم ارزیابی کیفی این کتاب‌ها می‌باشد- ما را در محضر شما سربلند می‌نماید.

در خاتمه بر خود واجب می‌دانیم که از همه اساتید بزرگوار و دانشجویان ارجمند از سراسر کشور و حتی خارج از کشور و همه همکاران گرامی که با ارائه نقطه نظرات سازنده خود ما را در پربارتر کردن ویرایش جدید این کتاب یاری نمودند سپاسگزاری نموده و به پاس تلاش‌های بی‌چشمداشت، این کتاب را به محضرشان تقدیم نماییم.

مؤسسه آموزش عالی آزاد ماهان

معاونت آموزش

مقدمه مولف

سپاس یزدان پاک را که مرا یاری نمود تا بتوانم خدمتی هر چند ناچیز در جهت ادای دین خود به علم جغرافیا، به دانش پژوهان این عرصه عرضه کنم.

مجموعه‌ی گردآوری شده، حاصل تلاش بی‌وقفه‌ی نگارنده به همراه راهنمایی‌های اساتید مجرب علم جغرافیا می‌باشد. این مجموعه شامل مواد امتحانی زیر است:

- جغرافیای شهری
- برنامه‌ریزی شهری
- ژئومورفولوژی (مبانی و ایران)
- آب و هواشناسی (مبانی و ایران)
- برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و روستایی
- فلسفه‌ی جغرافیا

از آنجایی که مجموعه‌ی علوم جغرافیا (کد ۱۱۰۲) برخلاف دیگر گروه‌های آزمایشی دارای منابع امتحانی مشخص و معینی نمی‌باشد، بنابراین سعی شده است تا حد امکان از تمامی کتب موجود در این رابطه که آورده شدن حتی یک سوال از آنها نیز احتمال داده می‌شود، مطالبی استخراج شود.

هدف اصلی در این کتاب فراهم آوردن زمینه‌های مطالعاتی برای دانشجویانی است که به اکثریت منابع و کتاب‌های مرجع دسترسی نداشته و یا اینکه وقت مطالعه‌ی آنها را ندارند.

لازم به ذکر است که اطلاعات این مجموعه طبق آخرین تغییرات در کتب و مواد امتحانی گردآوری و تلاش شده تا با جدیدترین منابع معرفی شده مطابقت و هم‌پوشی داشته باشد. با این تعابیر انتظار می‌رود که مجموعه‌ی حاضر بتواند تاثیری مفید بر روند قبولی داوطلبان رشته‌ی جغرافیا داشته باشد.

گفتنی است که محتوای این مجموعه کتاب به گونه‌ای تنظیم شده که تمام گرایش‌های جغرافیا به‌علاوه گرایش‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، و طراحی شهری بتوانند از این مباحث بهره ببرند.

یکی از دروس امتحانی جغرافیا، فلسفه‌ی جغرافیا می‌باشد که در این کتاب در قالب سه بخش و پانزده فصل ارائه شده است.

مؤلف قلباً اذعان دارد که آنچه پیش رو دارید مانند ثمره‌ی هر تلاش دیگری در زندگی نمی‌تواند محصول فعالیت منفرد باشد. دست‌های بسیار و اذهان متعدد به لطف پروردگار یاری رسانده‌اند تا نگارنده بتواند این مجموعه را گردآوری کند.

اما از آنجایی که هیچ تلاشی عاری از کم و کاست نمی‌باشد، نگارنده نیز در این باره هیچ‌گونه ادعایی ندارد و لیکن تردیدی نیست که در این ارتباط هر گونه قصور و کوتاهی همواره متوجه مؤلف می‌باشد. لذا از شما عزیزان خواهشمند است با نظرات اصلاحی خود اینجانب را آگاه و خشنود سازید.

در پایان نگارنده ضمن طلب مغفرت برای روح مصفای بنیانگذار فلسفه‌ی جغرافیای ایران، دکتر حسین شکوئی، تشکر خالصانه‌ی خویش را از دیگر اساتید فلسفه‌ی جغرافیا ابراز می‌دارد. اساتید محترمی که نگارنده با استفاده از راهنمایی‌های مستقیم یا مطالعه‌ی آثارشان بهره‌ی فراوان کسب کرده است :

دکتر حسین شکوئی، دکتر یدالله فرید، دکتر حسین حاتمی نژاد، دکتر احمد پور احمد، دکتر محمدعلی فیروزی، دکتر ناهید سجادیان و همچنین تمامی اساتید گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز.

جدول ضرایب مواد امتحانی هر یک از گرایش‌های جغرافیا کد (۱۱۰۲) برای ورود به دوره‌ی کارشناسی ارشد

ردیف	گرایش نام دروس امتحانی	برنامه‌ریزی شهری	برنامه‌ریزی روستایی	جغرافیای سیاسی	جغرافیای طبیعی	جغرافیای نظامی	جغرافیا- برنامه‌ریزی توریسم
۱	زبان تخصصی	۲	۲	۲	۲	۳	۲
۲	فلسفه‌ی جغرافیا	۱	۱	۱	۱	۲	۱
۳	ژئومورفولوژی (مبانی و ایران)	-	-	۱	۲	-	-
۴	آب و هوا شناسی (مبانی و ایران)	-	-	-	۲	-	-
۵	منابع آب و خاک (مبانی و ایران)	-	-	-	۲	-	-
۶	مبانی جغرافیای انسانی	-	-	۲	۱	۲	-
۷	جغرافیای شهری (مبانی و ایران)	۲	۲	-	-	-	۱
۸	مبانی جغرافیای طبیعی	۱	۱	۱	-	۲	۱
۹	جغرافیای روستایی و کوچ‌نشینی (مبانی و ایران)	-	۲	-	-	-	-
۱۰	برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و روستایی (مبانی و ایران)	۲	۲	-	-	-	-
۱۱	برنامه‌ریزی شهری (مبانی و ایران)	۲	-	-	-	-	-
۱۲	جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)	-	-	۳	-	-	-
۱۳	جغرافیای نظامی ایران و کشورهای همجوار	-	-	۲	-	۳	-
۱۴	آمار و احتمال	-	-	۱	-	-	-
۱۵	ریاضی و آمار	-	-	-	-	-	۱
۱۶	جاذبه‌های توریستی ایران	-	-	-	-	-	۲

حسین عبادی

صفحه	عنوان
۹	بخش اول - اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا
۱۱	فصل اول: فلسفه، پارادایم و جغرافیا
۱۷	فصل دوم: عوامل اجتماعی و تفکرات جغرافیایی
۲۳	فصل سوم: مفاهیم نو در جغرافیای نو
۲۹	مجموعه‌ی نکات بخش اول
۴۳	سؤالات چهارگزینه‌ای بخش اول
۵۳	پاسخنامه‌ی سوالات چهارگزینه‌ای بخش اول
۶۳	بخش دوم: فلسفه جغرافیا
۶۵	فصل چهارم: جغرافیا و مفاهیم جغرافیایی
۷۳	فصل پنجم: مفاهیم جغرافیای ناحیه‌ای
۷۹	فصل ششم: مفهوم فرهنگ در جغرافیا
۸۳	فصل هفتم: سهم عوامل محیط طبیعی و فرهنگ انسانی در علم جغرافیا
۸۹	فصل هشتم: مفاهیم و مکتبهای جغرافیای انسانی
۹۳	فصل نهم: جامعه‌ی انسانی و عوامل محیط طبیعی
۹۹	مجموعه‌ی نکات بخش دوم
۱۱۲	سؤالات چهارگزینه‌ای بخش دوم
۱۲۱	پاسخنامه‌ی سوالات چهارگزینه‌ای بخش دوم
۱۲۹	بخش سوم - قلمرو فلسفه‌ی جغرافیا
۱۳۱	فصل دهم - دوران قدیم، قرون وسطی، جغرافیای نوین
۱۳۷	فصل یازدهم - ماهیت شناسی جغرافیا
۱۴۱	فصل دوازدهم - نقش پارادایم‌ها در تبیین جغرافیا
۱۴۷	فصل سیزدهم - قلمرو جغرافیا
۱۵۱	فصل چهاردهم - تقسیمات جغرافیا
۱۵۵	فصل پانزدهم - روش شناسی و تکنیک‌ها در جغرافیا
۱۵۹	مجموعه‌ی نکات بخش سوم
۱۶۹	سؤالات چهارگزینه‌ای بخش سوم
۱۷۶	پاسخنامه‌ی سوالات چهارگزینه‌ای بخش سوم
۱۸۵	آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۸۰ سراسری
۱۸۸	آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۸۰ آزاد

۱۹۱	آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۸۱ سراسری
۱۹۴	آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۸۱ آزاد
۱۹۸	آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۸۲ سراسری
۲۰۱	آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۸۲ (آزاد) (جغرافیای طبیعی)
۲۰۴	آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۸۲ (آزاد)
۲۰۸	آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۸۳ سراسری
۲۱۲	آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۸۳ آزاد
۲۱۵	آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۸۳ آزاد
۲۱۸	آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۸۴ سراسری
۲۲۱	آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۸۴ آزاد
۲۲۴	آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۸۵ سراسری
۲۲۷	آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۸۵ آزاد
۲۳۰	آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۸۶ سراسری
۲۳۳	آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۸۶ آزاد
۲۳۶	آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۵-۱۳۸۷ سراسری
۲۶۲	منابع و مآخذ

اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا

عناوین اصلی

- ❖ فصل اول: فلسفه، پارادایم و جغرافیا
- ❖ فصل دوم: عوامل اجتماعی و تفکرات جغرافیایی
- ❖ فصل سوم: مفاهیم نو در جغرافیای نو

فلسفه، پارادایم و جغرافیا

عناوین اصلی

- ❖ انواع جغرافیا از نظر گریفیت تیلور
- ❖ تعریف علم جغرافیا
- ❖ تفکرات فلسفی و جغرافیا
- ❖ پارادایم و جغرافیا
- ❖ مثالواره‌های جغرافیایی
- ❖ ترکیب سه‌گانه جغرافیا
- ❖ جغرافیا و سایر رشته‌های علمی
- ❖ نگرش سیستمی در جغرافیا
- ❖ انقلاب در جغرافیا

فصل اول

فلسفه، پارادایم و جغرافیا

فلسفه، روش تفکر ژرف‌اندیشانه و کاوشگری منطقی است. از این رو فلسفه فرد را به شناخت منطقی مسأله ویژه، یاری می‌دهد و ارزیابی واقعیت‌ها را بر عهده می‌گیرد.

فلسفه تلاش دارد تا با بینش فوق‌العاده جامع از موضوعات دست یابد. در حالیکه علم با موضوعات برخورد تحلیلی و تشریحی دارد. از طرفی کانون هر تفکر فلسفی، نظام اعتقادی شخصی می‌باشد و در هر رشته‌ی علمی، فلسفه اساس کار محسوب می‌شود. از این رو «دیوید هاروی»، جغرافیدان نامدار انگلیسی، به درستی می‌گوید: «ما (جغرافیدانان) نمی‌توانیم بدون یک پایگاه معین فلسفی به پیش برویم.»

علم نیز مانند فلسفه به روش سنجش منطقی و فهمیدن توجه دارد و خاستگاه آن نیز گاه در آغاز، همان خاستگاه فلسفه، یعنی شوق به فهمیدن است.

سرمنشاء کلمه‌ی «فلسفه»، یونانی است و به معنی «خرددوستی» و «دانش‌دوستی» می‌باشد.

جغرافیا نیز یکی از قدیمی‌ترین رشته‌های علمی شناخته می‌شود که ۲۳۰۰ سال قبل برای اولین بار، «اراتوستن» آن را به کار برد. به نظر اراتوستن جغرافیا مطالعه زمین به عنوان جایگاه انسان است.

«پتر هاگت»، جغرافیدان معروف انگلیسی، جغرافیا را چنین تعریف می‌کند: «مطالعه‌ی سطح سیاره‌ی زمین، به منزله‌ی فضای که در داخل آن جمعیت انسانی زندگی می‌کند». برابر این تعریف جغرافیا با انسان آغاز می‌شود و بدون فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی در سطح زمین، علم جغرافیا نیز وجود نخواهد داشت. کلمه‌ی جغرافیا با شناخت جمله‌ی «مردم در کجا زندگی می‌کنند؟» عینیت می‌یابد که در ماهیت این گزاره عوامل فضا و زمان نهفته است. درهم‌تنیدگی پدیده‌های طبیعی و انسان‌ساخت که در سطح زمین پدیدار می‌شوند هسته و علت وجودی علم جغرافیا را سبب می‌گردند. از این رو در سطح زمین به مکان‌های مختلفی برخورد می‌کنیم که درهم‌تنیدگی پدیده‌های طبیعی و انسانی ویژه‌ی آن مکان را به نمایش می‌گذارند. پس بازیگران اصلی فضای جغرافیایی نه طبیعت و نه تنها انسان می‌باشند بلکه در هر فضای جغرافیایی طبیعت و جمعیت در تولید فضا و مکان هر یک نسبت به میزان توانایی خود سهمی را به خود اختصاص داده‌اند؛ که البته در کشورهای توسعه نیافته سهم طبیعت حاکمیت اصلی را بر عهده می‌گیرد.

انواع جغرافیا از نظر «گریفیت تیلور»

(۱) جئوکراتیک

(۲) تئوکراتیک

(۳) وی‌اوکراتیک

در جغرافیای جئوکراتیک طبیعت نقش عمده‌ای در تبیین نوع زندگی بازی می‌کند. در جغرافیای تئوکراتیک یک نوع خدانگاری در همه‌ی پدیده‌ها مورد تأکید می‌باشد و همه‌ی پدیده‌های سطح زمین در کنترل آفریدگار جهان قرار می‌گیرند. در بین جغرافیدانان



«کارل ریتز» (پدر جغرافیای انسانی) بیش از همه در زمینه‌ی جغرافیای تئوکراتیک کار کرده است. جغرافیای وی اوکراتیک در جهت مقابل جئوکراتیک و تئوکراتیک قرار می‌گیرد و چنین استدلال می‌شود که محیط مقداری امکانات در اختیار انسان قرار می‌دهد و بهره‌گیری از این امکانات محیطی به انتخاب جامعه‌ی انسانی قرار می‌گیرد. در واقع جغرافیای وی اوکراتیک مکتب «مکان‌گرایی» را که «ویدال دولابلاش» یکی از بنیان‌گذاران آن است، به وجود آورده است. ویدال به مطالعه‌ی ترکیبی در جغرافیا معتقد بود و عقیده داشت که جغرافیا دارای دو قطب کاملاً مشخص است:

(۱) محیط فیزیکی یا طبیعت و محیط انسان ساخت

(۲) محیط اجتماعی و اقتصادی «زندگی انسانی»

تعاریف علم جغرافیا

در اینجا به بعضی از تعاریف و تعابیر جغرافیا اشاره می‌شود، ولی برای مطالعه‌ی تعاریف بیشتر می‌توانید به نکات مربوط به این فصل مراجعه کنید.

- فریدریک راتزل: جغرافیا به منزله‌ی علم هم بستگی بین علوم طبیعی و پژوهش‌های انسانی است.

- کارل ساور: جغرافیا به منزله‌ی علم مورفولوژی چشم‌انداز می‌باشد.

- ویدال دولابلاش: جغرافیا علم مکان‌هاست.

- مارت: جغرافیا علم پراکندگی است.

- ریچارد هارتشورن: جغرافیا افتراق مکانی زمین را به عنوان زیستگاه انسان مورد مطالعه قرار می‌دهد.

- پتر هاگت: جغرافیا، مطالعه‌ی سطح زمین به منزله‌ی فضایی که در داخل آن جمعیت انسانی زندگی می‌کند.

- حسین شکویی: جغرافیا پراکندگی، افتراق و بازساخت مکانی- فضایی پدیده‌ها را در ارتباط با ساختار اجتماعی- اقتصادی تبیین می‌کند.

از این تعاریف نتیجه می‌گیریم که در اغلب اوقات و یا در شرایط خاص زمانی، جغرافیا با توجه به قلمروهای وسیع و گوناگون خود نمی‌تواند تنها به یک تعریف بسنده کند؛ زیرا در هر عصر و زمانه‌ی فضاها‌ی جغرافیایی با حاکمیت شرایط جدید سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تغییر می‌کند و هر جامعه‌ای با تأثیرپذیری از عوامل خاص خود، فضاها‌ی جدید جغرافیایی می‌سازد.

تفکرات فلسفی و جغرافیا

از دهه ۱۹۳۰ در کشورهای انگلستان و آمریکا، نفوذ تفکرات فلسفی در مطالعات جغرافیایی آغاز شد. از این دهه تا دهه ۱۹۶۰ مباحث فلسفی در داخل جغرافیا و بیشتر در زمینه طبیعت چشم‌انداز و مناسبات جغرافیا با سایر رشته‌های علمی مطرح می‌شد که نمونه‌ی کامل آن را در کتاب «ماهیت جغرافیا» (۱۹۳۹)، اثر «ریچارد هارتشورن» می‌توان دید. در دهه‌ی ۱۹۵۰، مکتب «علم فضایی» وارد جغرافیا می‌شود که این مکتب در دهه‌ی ۱۹۶۰ بیشتر تفکرات جغرافیایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به دنبال آن در سال ۱۹۶۹ دیوید هاروی، جغرافیدان انگلیسی، اثر معروف خود یعنی «تبیین در جغرافیا» را با تأثیرپذیری از جریان‌های فلسفی و روش‌شناسی مربوط به مکتب «جغرافیا به منزله علم فضایی» تدوین کرد.

دیوید هاروی از دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد در فلسفه و روش‌شناسی به یک نوع همپوشی میان رادیکالیسم، اثبات‌گرایی منطقی و پدیدارشناسی معتقد شد. تفاوت عمده میان مارکسیسم و اثبات‌گرایی در این است که اثبات‌گرایی به روشنی در تلاش شناخت جهان ماست، در حالیکه مارکسیسم در جهت تغییر جهان تلاش می‌کند. در دهه‌ی ۱۹۷۰ سهم جغرافیا در حل مسائل روزمره‌ی اجتماعی و اقتصادی اعتبار علمی بیشتری می‌یابد. از سال ۱۹۷۴ ایده‌آلیسم (اصالت تصور)، رئالیسم (واقع‌گرایی) و خوشبینی آرمان‌شهری مارکس سبب می‌شود که هر یک از جغرافیدانان تحت تأثیر مکتبی خاص قرار بگیرند و تفکر آرمان‌گرایی جدلی، علم جغرافیا را به شکل علم تفکربرانگیز نسبت به شیوه‌ی زندگی گروه‌های انسانی درآورد.

در دهه‌ی ۱۹۸۰، در جغرافیا، مباحث فلسفی در جست‌وجوی تحلیل واقعت‌ها جهت‌گیری می‌کند.

پارادایم در جغرافیا

پارادایم مجموعه عقاید، ارزش‌ها و تکنیک‌هایی است که اعضای یک جامعه‌ی علمی به کار می‌گیرند. این تعریفی است که «تامس کوهن»، فیزیکدان آمریکایی، در سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۷۰ از مفهوم پارادایم ارائه داد. تامس کوهن مراحل پیدایش پارادایم نو را از



طریق رخدادهای به هم پیوسته، بدین‌سان که در زیر می‌آید نشان می‌دهد:

پارادایم A ← علم هنجاری ← بحران پارادایم ← انقلاب ← پارادایم B (پارادایم نو)

به دنبال آن در سال ۱۹۶۷ «پتر هاگت» و «ریچارد چورلی»، دو جغرافیدان معروف انگلیسی، اولین بحث پارادایم در جغرافیا را مطرح کردند. پارادایم‌های هاگت و چورلی بر پایه‌ی مدل‌های بزرگ مقیاس تعیین می‌شد و در آن مشخصات بیش از محتوا مورد توجه بود.

«دیوید استودارت» به کارگیری پارادایم در مباحث جغرافیا را بر سه قلمرو عمده تقسیم نمود:

(۱) رانش: جابجایی قاره و تکنونیک صفحه‌ای است.

(۲) ژئومورفولوژی دیویسی: تحلیل تاریخی - زمانی اشکال ناهمواریها است.

(۳) در اثر معروف پتر هاگت با عنوان «تحلیل مکانی در جغرافیای انسانی» که با روش‌های کمی همراه می‌باشد. یادآور می‌شویم که در تحلیل فرا پارادایمی از طرف برخی از جغرافیدانان، سه قلمرو منطقی به کار گرفته می‌شود:

(۱) اقتصاد سیاسی ناحیه

(۲) اکولوژی سیاسی

(۳) جغرافیای انسان‌گرا

مثالواره‌های جغرافیایی

مثالواره، نمونه‌ی معیار از مسأله خاص علمی و راه حل‌های آن می‌باشد. برای به وجود آمدن پارادایم، عامل اصلی وجود مثالواره‌ها بود که در نیمه‌ی دوم قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، پس از انتشار کتاب جغرافیای مردم‌شناسی راتزل، به عنوان مثالواره از طرف عده‌ای از جغرافیدانان پذیرفته شد و برای مدت‌های مدید هر دو سوی اقیانوس اطلس (آمریکا و اروپا) به صورت پارادایم مسلط جغرافیا به شمار می‌رفت. در واقع پارادایم راتزل مبتنی بر جبر محیطی یا جبر جغرافیایی است. در نیمه‌ی اول قرن بیستم فلسفی‌اندیشی جغرافیا سبب شد که رویکرد انسان‌گرایانه یا اصالت بشر طرفداران زیادی پیدا کند. در این دوره بخشی از تحولات و پیشرفت‌های جغرافیایی مدیون «ویدال دولا بلاش» بود. ویدال اظهار داشت که عوامل محیطی می‌توانند حداقل تأثیر را در رفتار انسانی داشته باشند. او به همراه «ژان برون» پارادایم امکان‌گرایی یا اختیار را از مکتب فرانسه آغاز و آن را بنیانگذاری کرد. نظرات ویدال به وسیله «آیزایا بومن» و «کارل ساور» در آمریکا به یک دیدگاه جهانی تبدیل شد.

به طور کلی نمایندگان برجسته‌ی پارادایم امکان‌گرایی، بر این باورند که محیط طبیعی نمی‌تواند شریک انسان به شمار آید، بلکه به صورت برده‌ی انسان عمل می‌کند. این پارادایم در واقع شکلی از «فلسفه‌ی نئوکانتی» محسوب می‌شود. در سال ۱۹۵۳ «کورت شیفر» استثنانگاری در جغرافیا را در مقاله‌ای مورد انتقاد قرار داد. او عقیده داشت که جغرافیا به منزله‌ی علم کورولوژی (علم نواحی) با به خدمت گرفتن روش تکنگاری مشخص سبب شده است جغرافیا از بخش علوم دیگر کنار گذاشته شود. وی بکارگیری قوانین فضایی در آرایش پدیده‌های جغرافیایی را وارد ادبیات جغرافیا نمود؛ یعنی پارادایم سازمان فضایی علوم جغرافیا را در مقابل پارادایم استثنانگاری یا کورولوژی ریچارد هارتشورن بنیان‌گذاری و از آن دفاع نمود و تبیین در جغرافیا را تنها در به کارگیری قوانین فضایی جست‌وجو کرد. این دیدگاه در اصل جغرافیا را به منزله یک علم اثباتی در آورد و هم‌زمان با آن ریاضیات و هندسه بیش از حد لازم وارد جغرافیا شد. بر این اساس «ادوارد اولمن» پیشنهاد کرد که جغرافیا باید روی تأثیرات متقابل فضایی تأکید کند؛ یعنی فضا و تأثیرات متقابل فضایی اساس کار جغرافیا قرار گیرد.

تفکر علمی شیفر در قالب قوانین فضایی و تبیین در جغرافیا مسیر نوین جغرافیا را با ظهور پارادایم «جغرافیا به منزله‌ی علم فضایی» تعیین کرد. حدود قلمرو این پارادایم نو را عناوین مطالعاتی در زمینه‌ی نظام‌های فضایی، تعامل فضایی و طبقه‌بندی‌های ناحیه‌ای وسعت فوق‌العاده بخشیده است که در همه‌ی این مطالعات روی دو موضوع اساسی تأکید می‌شود:

(۱) الگو

(۲) فرآیند

ترکیب سه گانه جغرافیا

دانش جغرافیا ترکیبی از سه عامل زیر است:

(۱) محیط طبیعی: همه‌ی پدیده‌های جغرافیایی روی بستر طبیعی بنا می‌شوند. در واقع صحنه‌ی بازیگران جغرافیایی محیط طبیعی

است. در جهت تحلیل و شناخت عمیق‌تر محیط طبیعی، بکارگیری دیدگاه سیستمی تنها روشی است که ما را در رسیدن به تحلیل علمی یاری می‌دهد.

(۲) محیط انسان‌ساخت: به تغییرات انسان در محیط طبیعی گفته می‌شود.

(۳) ساختار جامعه: در این تحلیل روی سه موضوع قلمروی سیاسی، قلمرو تولید و قلمرو مصرف تأکید می‌شود.

بعد از انتشار کتاب دیوید هاروی «تبیین در جغرافیا» بر پایه‌ی روش‌شناسی فلسفی، در مطالعات جغرافیای طبیعی و انسانی ضرورت تأکید بر نظریه‌ها، قوانین و آزمون آماری بیشتر احساس شد.

جغرافیا و سایر رشته‌های علمی

عده‌ای از جغرافیدانان جغرافیا را جزء علوم طبیعی و عده‌ای آن را در ردیف علوم اجتماعی به شمار می‌آورند. به طور مثال در فرانسه، جغرافیا ارتباط نزدیکی با تاریخ داشت و در انگلستان این ارتباط بیشتر با زمین‌شناسی بود.

از نظر دیوید هاروی سه منبع اصلی تأثیرگذار در جغرافیا عبارتند از:

(۱) علوم طبیعی

(۲) علوم اجتماعی

(۳) تاریخ

عده‌ای از جغرافیدانان در این امر هم نظراند که علم جغرافیا مانند پلی بین علوم طبیعی و علوم اجتماعی عمل می‌کند. وابستگی و ارتباط جغرافیا با فیزیک اجتماعی را برای اولین بار «اگوست کنت» مطرح ساخت. او معتقد به اثبات‌گرایی بود. در جغرافیا بهترین مثال فیزیک اجتماعی، استفاده از مدل جاذبه می‌باشد که در آن جاذبه‌ی بین اجرام مطرح می‌شود.

نگرش سیستمی در جغرافیا

تا قبل از جنگ جهانی دوم هیچ گونه روش و یا تکنیکی در جغرافیا در جهت تحلیل سیستمی به ویژه در راستای کاربردی آن دیده نمی‌شود. تا اینکه در سال ۱۹۶۲، ریچارد چورلی اولین جغرافیدانی بود که نظریه‌ی سیستم‌ها را در مورد ژئومورفولوژی بکار گرفت.

نگرش سیستمی، چارچوب روش‌شناختی جهت تحقیق و بررسی ساخت و کارکرد یک سیستم فراهم می‌آورد و به جغرافیدان امکان می‌دهد که به منزله‌ی ابزار روش‌شناختی، فرم تازه‌ای از جامعیت جغرافیایی بنا کند.

سیستم عبارت است از ترکیبی از اجزا و قسمت‌های مختلف یک مجموعه که به یکدیگر وابسته‌اند و روابط میان آن‌ها به شکلی خاص سازمان یافته است. به نظر دیوید هاروی اگر ما در جغرافیا نگرش سیستمی را رها کنیم، یکی از نیرومندترین روش‌هایی را که قادر است به جهان پیچیده‌ی اطراف ما پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای دهد، از دست می‌دهیم.

ساخت سیستم‌ها ممکن است در دو مقوله‌ی باز و بسته مورد بحث قرار بگیرد. در سیستم‌های بسته به دلیل بسته بودن مرزهایشان هیچ نوع ورودی و خروجی صورت نمی‌گیرد؛ اما در سیستم‌های باز ورود و خروج انرژی در جهت پایداری سیستم انجام می‌شود. روش سیستمی به محقق شیوه‌ی به کار بردن کلان‌پژوهشی (ماکروسکوپی) را می‌آموزد. در این میان روش تحلیلی یک مکمل برای روش سیستمی به حساب می‌آید.

انقلاب در جغرافیا

از سال ۱۹۶۶ جغرافیا به تدریج از دیدگاه استثناگرایی دور می‌شود و به سوی روش‌های استدلال قیاسی حرکت می‌کند در سال ۱۹۶۶ «ویلیام بونج» در مقاله‌ای به این نکته تأکید کرد که مکان‌ها شرایط منحصر به فردی ندارند و علم با منحصر به فرد بودن به شدت دشمنی دارد. بنابراین بین سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۶، هفت انقلاب علمی جغرافیا را به مسیرهای تازه‌ای کشاند که این هفت انقلاب عبارت بودند از:

(۱) انقلاب کمی

(۲) انقلاب روش‌شناسی

(۳) انقلاب معنوی

(۴) انقلاب آماری و مدلی

(۵) انقلاب رادیکالی

(۶) انقلاب رفتاری

(۷) انقلاب ساخت‌گرایی

عوامل اجتماعی و تفکرات جغرافیایی

عناوین اصلی

- ❖ کیهان شناختی قرون وسطایی
- ❖ انقلاب علمی و جغرافیا
- ❖ انجمن‌های جغرافیایی و مسیرهای استعماری
- ❖ امپراطوری جغرافیایی و نهادی شدن جغرافیا

فصل دوم

عوامل اجتماعی و تفکرات جغرافیایی

یکی از راه‌های شناخت هر عملی، توجه ژرف به تأثیر شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در شکل‌گیری تفکرات مربوط به آن علم است. در جغرافیا نیز تأکید بر شرایط حاکم زمان و تحلیل ضرورت‌ها و نیازهای آن، یکی از راه‌های منطقی در شناخت سیر تکوینی تفکرات جغرافیایی می‌باشد که این سیر تکوینی از زمان یونان باستان در زمینه‌ی جغرافیا و الهیات همواره مورد توجه جغرافیدانان بوده است بطوری که «آناکسی ماندرا»، اولین تهیه‌کننده یونانی نقشه، می‌گوید که جهان را به صورت جلوه‌گاهی از یک مبدأ مذهبی می‌بیند و آن را در شکل نظام فضایی تقدیس‌آلود می‌نگرد.

کیهان‌شناختی قرون وسطایی

نگرش قرون وسطایی به جهان، بیشتر از عقاید ارسطو متأثر بود. در نگرش قرون وسطایی، علت غایی همه چیز خداوند بود و جهان از چهار عنصر باد، خاک، آب و آتش تشکیل می‌شد. پنجمین عنصر اتر بود که بالاترین عنصر یا «جوهر» شناخته می‌شد. کیهان‌شناختی قرون وسطایی، مبتنی بر کلی‌نگری و هماهنگ‌نگری بود که بعدها زمینه‌ی پیشرفت دیدگاه برابری انسان - محیط را فراهم می‌سازد. در این دوره جهان به دو منطقه‌ی سماوی و منطقه‌ی زمینی تقسیم می‌شد و میان این دو منطقه کره‌ها قرار داشت.

انقلاب علمی و جغرافیا

آنچه از آن به عنوان انقلاب علمی یاد می‌کنند در حدود ۱۵۰ سال طول می‌کشد یعنی از زمان کوپرنیک تا پایان قرن هفدهم. کوپرنیک نظریه‌ی زمین مرکزی را رد می‌کند و به چرخش روزانه‌ی زمین در حول محورش و گردش سالانه آن به دور خورشید معتقد می‌گردد.

با ورود «فرانسیس بیکن» به جهان علم، جزمیت کلیسایی جای خود را به تجربه‌ی علمی می‌دهد. بیکن نگرش‌های ارسطویی را که تحت تأثیر جزمیت کلیسایی، جغرافیای افسانه‌ای و تخیلات فانتزی قرار داشت را رد کرده و روش علمی را با اخذ داده‌های واقعی، مشاهده‌ی مستقیم همراه می‌سازد.

در قرن ۱۷ از اعتبار علمی جغرافیا کاسته شد. در همین ایام تلاش‌ها و فعالیت‌های علمی دو جغرافیدان «ناتنیل کارپنتر» در آکسفورد و «برنارد وارنیوس» در آمستردام مانع کاهش بیشتر اعتبار جغرافیا شد.

کارپنتر در برابر جزمیت کلیسایی نظریه سیستمی را مطرح ساخت. او اولین جغرافیدان در تاریخ علم جغرافیا می‌باشد که انسان را به عنوان یک عامل ویرانگر وارد ادبیات جغرافیایی کرده است.

در این دوره، اثر ارزشمند برنارد وارنیوس (۱۶۵۰-۱۶۲۲) با عنوان جغرافیای عمومی منتشر می‌شود. این اثر شاید اولین تلاش در زمینه‌ی به کارگیری تفکر علمی در جغرافیا می‌باشد. بطوری که «الکساندر فن همبلیت» اثر ماندگار خود «کاسموس» را با تأثیرپذیری از کتاب وارنیوس تدوین می‌کند.

وارنیوس جغرافیا را به دو بخش جغرافیای عمومی و خاص تفکیک کرد و زمینه‌ای را فراهم آورد تا امروز علم جغرافیا را به دو بخش



جغرافیای قانونمند (سیستماتیک) و جغرافیای ناحیه‌ای تقسیم کنیم.

در زمان «امانوئل کانت» که او را پدر استثناگرایی می‌نامند، متفکر و فیلسوف انقلاب سیاسی عصر، «ژان ژاک روسو» به قلمرو علم، نگرش رادیکالی داشت و جنبش رمانتیکی عصر خود را رهبری می‌کرد که به «تجربه‌گرایی رمانتیکی» معروف می‌باشد. او معتقد بود که انسان پاک به دنیا می‌آید اما محیط او را تباه می‌سازد. کانت نه تنها از افکار روسو، بلکه از همه مکتب‌های فکری عصر خود بهره گرفت. در این میان خردگرایی دکارتی، بیش از همه او را تحت تاثیر قرار داد. دکارت را پدر فلسفه نو می‌خوانند «شو پنهور» فیلسوف آلمانی می‌نویسد: «بزرگترین خدمت کانت به علم فلسفه تفاوت نهادن میان دنیای نمود و دنیای بود می‌باشد».

می‌توان گفت امانوئل کانت، به علم جغرافیا، شالوده‌ی فلسفی پر اعتباری بخشید و پارادایم استثناگرایی از تفکرات او نشأت گرفت. در قرن ۱۸ «مارگاریتا بوون» در اثر ارزشمند خود یعنی «اصالت تجربه و تفکرات جغرافیایی»، از آثار جغرافیایی دوره‌ی انقلاب صنعتی، با عنوان «جغرافیای بورژوازی» سخن می‌گوید و آن هم به دلیل محور فکری محیط فرهنگی آن زمان انگلستان بود. به دنبال آن در سال ۱۷۷۵ «چارلز تئودور میدلتون» کتابی با عنوان «یک نظام نو و جامع در جغرافیا» در لندن منتشر کرد که کاملاً دیدگاه بورژوازی تازه به دوران رسیده‌ی انگلستان را به نمایش می‌گذاشت. میان سالهای ۱۷۵۰ تا ۱۸۰۰ یک نظام نو در جغرافیا به وسیله‌ی «آنتوان فردریک بوشینگ» پایه‌گذاری شد. او روش‌های آماری را با مطالعات جغرافیایی به ویژه جمعیت ناحیه، پیوند داد و بخشهای مختلف زمین را با معیار و انتخاب واحدهای سیاسی، بررسی کرد.

در قرن نوزدهم، «همبلت» و «ریتر» جغرافیا را به عنوان یک رشته‌ی علمی به ارج و اعتبار رساندند. همبلت را پدر جغرافیای نو نیز می‌دانند، اثر ماندگار همبلت، «کاسموس» است که شامل همه‌ی مشاهدات، بررسی‌ها و اکتشافات جغرافیایی همبلت در طول حیاتش می‌باشد. همبلت در مطالعات جغرافیایی روی تعمیم و طبقه‌بندی داده‌ها و دیدگاه جامع تأکید و در بررسی‌های جغرافیایی به مطالعات تطبیقی گرایش شدیدی داشت.

دخالت عقاید مذهبی در نگرش‌های جغرافیایی با «کارل ریتر» پا به عرصه‌ی ظهور گذاشت. عقاید او در مورد کلیت و جامعیت از نظریات فیلسوف آلمانی یعنی «فردریش هگل» (۱۸۳۱-۱۷۷۰) تأثیر پذیرفته بود. ریتر معتقد بود که همه چیز در یک کلیت به خداوند ختم می‌شود.

دیدگاه کارل ریتر نسبت به الگوهای جغرافیایی سطح سیاره زمین به شدت از فلسفه غایت‌انگاری متأثر بود. وحدت در کثرت اساس کار و زیربنای تفکرات ریتر را تشکیل می‌دهد. الکساندر فن همبلت و کارل ریتر هر دو به نحوی در بنیان‌گذاری جغرافیای نو نقش داشتند. همبلت یک «لادری‌گرا» بود و روی جغرافیای طبیعی به ویژه جغرافیای گیاهی و زمین‌شناسی تأکید داشت؛ اما ریتر در همه پدیده‌های جغرافیایی جلوه‌هایی از آفریدگار جهان را می‌دید و در عالم خلقت به یک تعادل و توازن انسانی و طبیعی اعتقاد داشت.

انجمن‌های جغرافیایی و مسیرهای استعماری

در اروپا اغلب انجمن‌های جغرافیایی در نیمه‌ی اول قرن نوزدهم با یک سری اهداف مشترک تأسیس شدند. در سال ۱۸۲۱ اولین انجمن جغرافیایی در کشور فرانسه تأسیس گردید که به دنبال آن تعداد مؤسسات و انجمن‌های جغرافیایی افزایش یافت و به دنبال آن در سال ۱۸۲۷ انجمن جغرافیایی سلطنتی انگلیس در لندن تأسیس شد. این انجمن در سال ۱۸۳۰ چهارصد و شصت عضو داشت که همه این اعضا از طبقه ممتاز انگلیس بودند. این انجمن‌ها بیشتر دارای اهداف سوداگرایانه مانند توسعه مرزهای امپراطوری و کشف سرزمین‌های جدید و اهداف استعماری بودند. بدین ترتیب از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم علوم جغرافیایی کاملاً به صورت ابزاری در دست امپریالیسم جهانی درآمد و ایدئولوژی‌های امپریالیستی و نژادپرستانه از جغرافیا وام گرفت.

همان‌طور که گفته شد در اواخر قرن نوزدهم ظهور جغرافیای نو با توسعه‌ی سیاست‌های امپریالیستی، غارت و تصرف سرزمین‌های دیگر، استعمارگری همه قدرت‌های اروپایی، جبر محیطی و داروینیسیم اجتماعی همراه بود.

در برابر این بی‌رحمی‌ها که از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بر بشریت تحمیل گشت افرادی مانند «لیزه رکه» جغرافیدان فرانسوی و «پتر کروپوتکین» جغرافیدان روسی به انسانی ساختن جغرافیا پرداختند. این دو جغرافیدان به جای عامل رقابت در صحنه‌ی زندگی به اصل «تعاون و همیاری متقابل» اعتقاد داشتند و تحمیل این بی‌رحمی را بر بشریت غیر قابل قبول و ناسازگار